

الگوی مطلوب

ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان جهان

از منظر قرآن کریم*

- محمدصادق نصراللهی^۱
- محمدرضا کوهکن^۲

چکیده

با وجود تفاوت‌های گسترده انسان‌ها در دین، زبان، رسوم، ملیت، نژاد، رنگ و... در نگاه اول این گونه به نظر می‌رسد که همگرایی میان فرهنگ‌ها و تعامل گسترده و سازنده آن‌ها امری دشوار یا ناممکن باشد.

در این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا تشکیل جبهه‌ای جهانی از مستضعفان مورد قبول قرآن است یا خیر؟ الگوی مطلوب ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان چیست و اصول حاکم بر آن کدام است؟ بدین منظور تعدادی از آیات منتخب با روش داده‌بنیاد تحلیل شده و الگوی پارادایمی آن به دست آمد. «استکبارستیزی به مثابه فرهنگ و هویت مشترک مستضعفان جهان» به عنوان پدیده اصلی قرار گرفت و علل، زمینه‌ها، شرایط مداخله‌گر، راهبردهای کنش/کنش متقابل و پیامدهای آن از آیات منتخب استخراج شد. طبق این الگو،

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۹.

۱. استادیار دانشگاه امام صادق (ع) (m.nasrollahi@isu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) (koochkan@isu.ac.ir).

مستضعفان، مراتب، انواع و شروطی دارند و ارتباطات میان آنها، موسع اما مشکک است. به تعبیر دیگر این جبهه، فرامذهبی، فرادینی و فرامسلکی است؛ اما نوع ارتباط با هر دسته از آنها متفاوت است و به میزان ایمان حقیقی افراد بستگی دارد. همچنین در این ارتباطات، اصولی هستند که به عنوان اصول حاکم عمل می کنند که در واقع می توان همه این اصول را ذیل اصل عدالت جای داد. راهبردهای کشتی مسلمانان در جبهه مستضعفان در واقع حق هر گروه را که باید به آن اعطا کرد، تبیین می کند.

واژگان کلیدی: قرآن، ارتباطات میان فرهنگی، ارتباطات بین المللی، استضعاف، جبهه جهانی مستضعفان.

۱. مقدمه و تبیین مسئله

انقلاب اسلامی ایران از بدو پیروزی، بنا بر خوانش امام خمینی از اسلام، داعیه حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان را داشته و دارد که در بیانات ایشان و مقام معظم رهبری بارها بر آن تأکید شده است. جمهوری اسلامی بارها حمایت خود را نه فقط در زبان، که در عمل نیز آشکار کرده است. متقابلاً مستضعفان جهان نیز با انقلاب ما ابراز همبستگی و حمایت کرده اند. این رابطه دوسویه که مخصوص شیعیان و مسلمانان جهان نیست و پیروان هر مرام و دین و مسلکی را شامل می شود، موجب شکل گیری ارتباطات چندسویه میان ملت های مستضعف با فرهنگ های گوناگون شده است.

انقلاب اسلامی در طول این دهه با مشکلات زیادی در راه عملی کردن این آرمان خود مواجه شده و به همین سبب نتوانسته آن گونه که باید، آن را عملی کند. مشکلات جمهوری اسلامی در این راه را به دو دسته کلی می توان تقسیم کرد: مشکلات درونی (عدم فهم صحیح از ارتباطات میان فرهنگی و ارتباطات بین المللی بین ما و فرهنگ ملل مستضعف، سوء برداشت از روش های صحیح صدور انقلاب اسلامی از جمله نگاه امنیتی و استفاده از روش های نظامی، سوء برداشت از مفهوم وحدت و جبهه مستضعفان از جمله دید درون مذهبی و نهایتاً درون دینی، همراه نکردن افکار عمومی در داخل کشور و...) و مشکلات بیرونی (مانع تراشی دشمنان، ایران هراسی و

ارائه تصویر نادرست از ایران به مردم کشورها توسط ابزارهای دیپلماسی رسمی و دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، همراهی نکردن بسیاری از حکومت‌ها و...).

همان گونه که اشاره شد، قسمتی از این مشکلات به داخل برمی‌گردد؛ آنجا که بسیاری از مردم و نخبگان این آرمان را آن گونه که باید باور نکرده‌اند، و آن عده‌ای هم که آرمان تشکیل جبهه جهانی مستضعفان را پذیرفته‌اند، قرائت‌های مختلفی از آن دارند و فهم مشترکی در این باره وجود ندارد. هرچند تاکنون میان این مستضعفان با فرهنگ‌های متفاوت، ارتباطات گسترده‌ای شکل نگرفته است، اما با توجه به اهمیت راهبردی که برای جمهوری اسلامی دارد، ضروری می‌نماید که الگوی مناسبی جهت گسترش ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان در دست باشد.

نگارندگان در این نوشتار در پی یافتن الگوی مطلوب ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان جهان از منظر قرآن کریم می‌باشند. سؤالات تحقیق بدین صورت است:

سؤالات اصلی:

۱. از نظر قرآن کریم، آیا شکل‌گیری جبهه جهانی مستضعفان مورد قبول است؟ آیا غیر مسلمانان هم در این جبهه جایگاهی دارند؟

۲. الگوی مطلوب ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان جهان از منظر قرآن کریم چیست؟
سؤالات فرعی:

۱. قرآن وحدت میان مستضعفان را وحدت استراتژیک می‌داند یا تاکتیکی؟

۲. پدیده ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان از چه ابعادی برخوردار است؟

۳. علل شکل‌گیری پدیده ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان چیست؟

۴. پدیده ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان در چه زمینه‌ای شکل می‌گیرد؟

۵. پیامدهای پدیده ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان چیست؟

۶. برای تحقق ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان چه اقداماتی باید انجام داد؟

۷. چه عواملی در تحقق ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان دخیل است؟

در ادامه پژوهش، ابتدا در بخش چهارچوب مفهومی، مفاهیم واژگان استکبار، استضعاف، ارتباطات میان فرهنگی و ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان را تبیین کرده، سپس بر اساس تعریف مختار، داده‌های جمع‌آوری شده را به وسیله کدگذاری باز،

کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی دسته‌بندی نموده، بر اساس تقسیم‌بندی شش‌تایی الگوی پارادایمی، از حیث پدیده، زمینه، راهبردهای کنش/کنش متقابل، پیامدها، شرایط علی و شرایط مداخله‌گر، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. در نهایت نیز الگوی به‌دست‌آمده ارائه می‌شود.

۲. چهارچوب مفهومی

۱-۲. استکبار

استکبار بر دو قسم است:

«یکی آن است که انسان خواستار آن باشد که بزرگ شود. چنین خواسته‌ای هر گاه به نحو شایسته انجام گیرد و در شرایط خاص زمانی و مکانی که لازم باشد، پسندیده و بجا خواهد بود. دوم آنکه مقام و موقعیتی را از خود ظاهر کرده و عظمتی را برای خویش ادعا کند که در واقع فاقد آن است [بیش از آنچه که هست، خود را نشان دهد] که این ادعایی ناپسند و صفتی زشت است و خداوند در این مورد می‌فرماید: شیطان از انجام سجده سرپیچی کرده و گردنکشی نمود و از کافران بود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۹۷).

استکبار در معنای دوم نیز خود بر دو نوع است: استکبار در برابر خدا و استکبار در برابر انسان‌های دیگر. استکبار در برابر خدا، خود شامل استکبار فردی و اجتماعی می‌باشد. بعد فردی استکبار، فارغ از افراد جامعه و به معنای سرکشی در برابر خداوند و نافرمانی از اوامر الهی است.

«در مقابل استکبار فردی، استضعاف فردی به معنی خضوع و تذلل انسان در برابر خداوند و اطاعت و انقیاد و سرپیچی نکردن وی از فرامین الهی است» (اسکندری، ۱۳۶۷: ۱۳۰).

پس در واقع راه سومی بین استکبار فردی و استضعاف فردی وجود ندارد. استکبار فردی خود به‌وجودآورنده استکبار اجتماعی است:

«از آنجا که فرد، تشکیل‌دهنده جامعه و به‌وجودآورنده حوادث و پدیده‌های اجتماعی است، استکبار اجتماعی و آثار ظالمانه و ویرانگر آن نیز در اصل و ریشه به

همین نوع از استکبار بازمی‌گردد» (همان).

در واقع استکبار اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که قوانین الهی درست و دقیق اجرا نشود.

۲-۲. استضعاف

برای استضعاف نیز همانند استکبار دو معنا متصور است؛ در معنای اول در مفهوم طلب ضعف به کار می‌رود. این استضعاف یا در برابر سایر انسان‌هاست که از آن به تواضع تعبیر می‌شود، یا در برابر خداوند است که خضوع و اطاعت می‌باشد و در هر صورت صفت پسندیده‌ای است. استضعاف در مفهوم دوم به معنای طلب ضعف دیگران به کار می‌رود. این مفهوم نیز خود بر دو قسم است؛ مفهوم فاعلی به معنای به ضعف کشاندن، و مفهوم مفعولی به معنای به ضعف کشیده شدن، که هر دو معنا در قرآن کریم به کار رفته است.

تعریف رایج مفسران از مستضعف بدین صورت است:

«مستضعف کسی است که ضعیف و ناتوان و فاقد قدرت و نیرو نیست، بلکه نیروهای بالفعل و بالقوه دارد، اما از ناحیه ظالمان و جباران، سخت در فشار قرار گرفته، ولی با این حال در برابر بند و زنجیر که بر دست و پای او نهاده‌اند، ساکت و تسلیم نیست؛ پیوسته تلاش می‌کند تا زنجیرها را بشکند و آزاد شود، دست جباران و ستمگران را کوتاه سازد و آیین حق و عدالت را برپا کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹/۱۶).

۳-۲. ارتباطات میان فرهنگی^۱

گادیکانست^۲ (۲۰۰۶)، ریچ و اوگاوا^۳ ارتباطات میان فرهنگی را «ارتباط افرادی از فرهنگ‌های متفاوت» می‌دانند (بشیر، ۱۳۹۵: ۱۸۰). در واقع وجود دو فرهنگ و انتقال پیام از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر، ویژگی ارتباطات میان فرهنگی است (رضی، ۱۳۷۷: ۱۵۰). به تعبیر دیگر، یک نفر پیامی را بر اساس پیشینه فرهنگی خود

1. Intercultural communication.
2. Gudykunst.
3. Rich & Ogawa.

رمزگذاری می‌کند و دیگری آن را از چارچوب فرهنگ خودش رمزگشایی می‌کند (Klopf & Park, 1982). به نقل از: بشیر، ۱۳۹۳: ۷۲). گستره ارتباطات میان‌فرهنگی از سطح میان‌فردی تا سطح جهانی و بین‌المللی را در بر می‌گیرد (کافی، ۱۳۹۴: ۲۷۱). همان‌گونه که مشاهده شد، این تعاریف مختلف از ارتباطات میان‌فرهنگی، با هم سازگاری دارند و در واقع هریک از جنبه‌ای به آن پرداخته است.

«ارتباطات میان‌فرهنگی گاه می‌تواند عوارض منفی داشته باشد. فرهنگ‌های مختلف به نسبت تفاوت‌هایی که در عناصر خود با دیگر فرهنگ‌ها دارند، در حوزه معنایی نیز از آن‌ها متفاوت‌اند. این تفاوت‌ها در مواردی می‌توانند موجب عدم درک متقابل، سوء تفاهم و گاهی نیز بیگانه انگاشتن طرف دیگر شوند» (بشیر، ۱۳۹۵: ۱۸۱).

البته با وجود تفاوت‌های فرهنگی، می‌توان با تکیه بر مشابَهت‌ها بر همگرایی فرهنگ‌ها تأکید کرد. از آنجا که ما قائل به برابری انسان‌ها در رابطه با فطرت هستیم، این امر در کنار بهره‌گیری از وجود عقل ابزاری می‌تواند ابتدایی‌ترین ابزار ارتباط را در اختیار افراد برای ارتباط با اعضای دیگر فرهنگ‌ها قرار دهد. مشابَهت‌های دیگری نیز به دلایل مختلف از جمله قرابت‌های جغرافیایی، اختلاط‌های نژادی، اشتراکات دینی و مذهبی، تبادل کالاهای فرهنگی و تجارب مشترک تاریخی، برخی همپوشانی‌های معنایی را بین اعضای فرهنگ‌های مختلف به وجود می‌آورد. هر چقدر که زمینه‌های تشابَهات معنایی افزایش یابد و علاوه بر اشتراک در فطرت و عقل ابزاری، اشتراکات در عناصر فرهنگی بیشتر باشد، زمینه لازم برای درک متقابل و بین‌فرهنگی افزایش می‌یابد (همان).

۴-۲. ارتباطات میان‌فرهنگی مستضعفان

آنچه باعث تفاوت فرهنگ‌ها می‌شود، تفاوت در دین و مذهب، زبان، آداب و رسوم، ملیت و نژاد و رنگ، هنر، هنجارها و امثال آن است و به طور طبیعی، اختلافاتی که میان فرهنگ‌ها وجود دارد، همگرایی میان آن‌ها را دشوار می‌کند و حتی منجر به نزاع و جنگ می‌شود. اما با وجود این اختلافات و تفاوت‌ها در میان گروهی که مستضعفان نامیده می‌شوند و تعریف آن پیشتر گذشت، قرآن این گروه را به اتحاد

فرامی خواند (آل عمران / ۶۴ و ۱۰۳؛ فتح / ۲۹؛ ممتحنه / ۸).

ادعای این پژوهش آن است که جبهه مستضعفان از نگاه قرآن نه تنها در زبان و آداب و رسوم و ملیت و رنگ، بلکه در دینداری، به عنوان مهم ترین مؤلفه فرهنگی از نگاه قرآن، تفاوت و حتی تضاد دارند؛ اما با وجود این، به همگرایی و همکاری دعوت می شوند. نگاه این جبهه، فرامذهبی، فرادینی و فرامسلکی است.

به ارتباطاتی که میان افراد مستضعف (ضعیف نگه داشته شده از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی) با فرهنگ های گوناگون و در زمینه فرهنگی رخ می دهد، ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان می گوئیم.

۳. روش پژوهش

در این تحقیق ابتدا بر اساس روش تفسیر موضوعی، موضوع «ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان جهان» را به قرآن عرضه کرده و به دنبال پاسخ آن برآمدیم. تفاسیر و تحقیقات موضوعی را می توان بر چند قسم دانست:

- تحقیق موضوعی درون قرآنی (تفسیر موضوعی سستی)
- تفسیر موضوعی برون قرآنی (ابتکار شهید صدر)
- تفسیر موضوعی تطبیقی (میان تشیع و اهل سنت، و میان قرآن و سایر کتب مقدس)
- تفسیر موضوعی میان رشته ای (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۳۱).

بر اساس این دسته بندی، پژوهش پیش رو، جزء تفاسیر موضوعی برون قرآنی محسوب می شود. در این روش بر خلاف روش تفسیر ترتیبی، مفسر موضوعی از متن و واقعیات و نیازهای آن شروع می کند. در این صورت، مفسر نظر و اندیشه خود را به یکی از موضوعات اعتقادی یا اجتماعی یا مسائل دیگر انسانی معطوف می کند؛ آنگاه تمامی آیات مربوط به آن موضوع را ملاحظه می کند و درباره آنها می پرسد و از قرآن پاسخ می گیرد. می توان گفت که تفسیر موضوعی، گفتگو و محاوره با قرآن کریم و پرسشگری فعالانه از آن است (یساقی و ایازی، ۱۳۸۹: ۲۰۰، به نقل از: صدر، ۱۴۲۴: ۱۸).

مراحل چهارگانه زیر برای تفسیر موضوعی برشمرده شده است:
- مرحله مقدماتی (انتخاب کلیدواژه، تعیین فهرست اصلی آیات و بررسی آنها در سیاق)

- مرحله مفهوم‌یابی (بررسی مفاهیم آیه طریق تدبیر در آیه و سیاق، و مراجعه به تفاسیر)
- مرحله گسترش یا فشرده کردن تحقیق موضوعی

- مرحله تألیف و تدوین (مرادی زنجانی و لسانی فشارکی، ۱۳۸۵: ۳۱)

لذا در این پژوهش نیز حدود ۵۳ آیه از آیات قرآن کریم بر اساس ارتباط با موضوع انتخاب شد. بر اساس روش تفسیر موضوعی، انتخاب برخی آیات با جستجوی کلیدواژه‌های «مستضعف» و «أمة» و هم‌خانواده‌های آن صورت گرفت. برخی دیگر از آیات نیز بر اساس ارتباط محتوایی با موضوع، به فهرست آیات پژوهش اضافه شد. در نهایت، برخی آیات نیز با مراجعه به آثار مفسران و مشاهده آیات استنادشده در ذیل موضوع مدنظر گزینش شد. برای گسترش این تحقیق، آیات شامل واژه‌های «أهل الكتاب»، «یهود»، «نصاری»، «صابئین» و هم‌خانواده‌های آن‌ها نیز مورد بررسی قرار گرفت. نهایتاً آیات به دست آمده بر اساس نظرات مفسران متأخر، مانند آیات عظام موسوی خمینی، خامنه‌ای، طباطبایی، مکارم شیرازی، جوادی آملی و حجة الاسلام قرائتی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین از سوی نگارنده نیز نکاتی به آیات اضافه شد. سپس برای تحلیل داده‌ها از روش داده‌بنیاد^۱ استفاده گردید. این پژوهش از نوع پژوهش‌های تفسیری بوده و مبانی فلسفی آن پدیدارشناسی^۲ است.

استراوس و کوربین^۳ آن را چنین تعریف کرده‌اند:

- «نظریه داده‌بنیاد نوعی استراتژی کیفی است که برای تدوین نظریه در مورد یک پدیده، به صورت استقرایی، مجموعه‌ای منظم از رویه‌ها را به کار می‌برد» (دانایی‌فرد و اسلامی، ۱۳۹۰: ۵۳).

- «ابزارهای نظریه داده‌بنیاد عبارت‌اند از: حساسیت نظری، نمونه‌برداری نظری و کدگذاری» (ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۵).

برای کدگذاری سه مرحله بیان شده است:

۱- کدگذاری باز: ^۴ انتقال مضامین از عمق به سطح (نیومن، ۱۹۹۷: ۴۸۸).

1. Grounded theory.
2. Phenomenology.
3. Strauss & Corbin.
4. Open coding.

۲- کدگذاری محوری: ارتباط دادن مقوله‌های اصلی و فرعی با هم از طریق رفت‌وآمدهای متعدد بین مقولات و مفاهیم (فلیک، ۲۰۰۶: ۳۳۵). برای سهولت این مرحله، گلیرز^۲ فهرستی از خانواده‌های کدگذاری را پیشنهاد می‌کند (همان: ۳۳۷). یکی از رایج‌ترین آن‌ها، خانواده «شش‌تایی» (پدیده، شرایط علی، راهبردهای کنش/کنش متقابل، زمینه، شرایط مداخله‌گر و پیامدها) است.

۳- کدگذاری گزینشی یا انتخابی: اعتبار بخشیدن به روابط و پر کردن جاهای خالی با مقوله‌هایی که نیاز به اصلاح و گسترش بیشتر دارند (ذوالفقاریان و لطیفی، ۱۳۹۰: ۴۶).

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ابتدا کدگذاری باز آیات انجام گرفت. برای این کار در ابتدای کد از حرف p (مخفف کلمه point) و سپس شماره سوره، شماره ردیف مفهوم، و در نهایت شماره مفهوم در هر ردیف استفاده شده است.^۴

۴-۱. گزینش و تدبر در آیات مرتبط و کدگذاری باز

جدول ۱: نمونه کدگذاری باز

کدگذاری مفاهیم	مفاهیم	نکات تفسیری	متن آیه	نشانی آیه	شماره
p۲.۱.۱	ایمان و عمل صالح، ملاک میزان ارزش پیروان ادیان و مذاهب نزد خدا	ایمان واقعی همراه با عمل صالح نزد خدا ملاک است (ترجمه آیه).	﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالشَّكَّارِي وَالضَّالِّينَ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾	بقره ۶۲	۱
p۲.۱.۲	لزوم تلاش عملی در کنار ایمان				
p۲.۱.۳	برتری دین اسلام و فرهنگ اسلامی	اسلام قائل به پلورالیسم دینی نیست و خود را دین برتر می‌داند			

1. Axial coding.

2. Glaser.

3. Selective coding.

۴. برای مثال p۲۰.۴۵.۲ یعنی دومین مفهوم از ردیف ۴۵ جدول، که در بیستین سوره قرآن قرار دارد.

		(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱/۲۸۳؛ حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۴/۱۲).			
p۲.۶.۱	رابطه اتحاد و همزیستی موحدان	همه موحدان باید همزیستی و اتحاد داشته باشند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰۵).	﴿أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَا يُنزِّلُ وَكُتِبَ لَهُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْزَالِ هَذِهِ آيَاتِهِ لَا تَجْرِمُنَا بِغَوْلِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنزَلَ حَقَّ رَبِّنَا وَلِلَّهِ الْإِسْلَامُ قَدِيمًا أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ الَّذِي كُنْتُمْ تَدْعُونَ﴾	بقره ۲۸۵	۲
p۲.۶.۲	تلاش و مقدمه‌چینی برای وحدت موحدان	باید برای وحدت موحدان عالم اقدام کرد (همان).			
p۲.۶.۳	قیام موحدان متحد بر ضد مستکبران	موحدان عالم پس از اتحاد باید بر ضد ملحدان مستکبر قیام کنند (همان).			
p۳.۷.۱	اصالت وحدت مسلمانان	وحدت مسلمانان به صورت فردی و جمعی، یک اصل اسلامی است، نه یک تاکتیک (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۱۱).			
p۳.۷.۲	وحدت فقط حول حبل الله	هر وحدتی مطلوب نیست. محور وحدت باید حبل الله باشد، نه ملیت و زبان و نژاد و... (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۲۴/۲).	﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾	آل عمران ۱۰۳	۳
p۳.۷.۳	ایمان به خدا و کفر به طاغوت، لازمه وحدت مسلمانان حول حبل الله	اعتصام به حبل الله با ایمان به خدا و کفر به طاغوت به صورت توأمان اتفاق می‌افتد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۵/۳۰).			
p۳.۷.۴	تلاش مسلمانان برای حاکمیت اسلام	مسلمانان باید برای حاکمیت اسلام تلاش کنند (همو، ۱۳۶۹/۷/۱۶).			
p۳.۷.۵	اتحاد درونی، مقدمه اتحاد بیرونی	برای آنکه آدمی دیگران را به اتحاد فرا بخواند، باید در درون خودش اتحاد و انسجام باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۶۶).			
p۳.۸.۱	اتحاد مسلمانان و اهل کتاب بر سر مشترکات	مسلمانان می‌توانند با اهل کتاب بر سر مشترکات اتحاد داشته باشند (جعفری، ۱۳۷۶: ۱۵۱/۲).	﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ	آل عمران ۶۴	۴
p۳.۸.۲	تلاش مسلمانان و اهل کتاب برای تحقق ایمان	مسلمانان و اهل کتاب باید برای پرستش خدا و نفی شرک مشترکاً			

		تلاش کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰۹-۱۳۲).	بَعْضُنَا بِعَضَاؤِنَا يَا مَنْ دُونَ اللَّهِ فَيَا مَنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿		
p۳.۸.۳	تلاش مسلمان و اهل کتاب برای نابودی نظام استکباری در همه ابعاد	مسلمانان و اهل کتاب باید برای نفسی رژیم ارباب و رعیتی در ابعاد گوناگون مشترکاً تلاش کنند (همان).			
p۳.۸.۴	تلاش مسلمان و اهل کتاب برای تأسیس حکومت الهی	مسلمانان و اهل کتاب باید برای تأسیس رژیم ربانی مشترکاً تلاش کنند (همان).			
p۴.۱۳.۱	استضعاف منفی: عدم تلاش برای رهایی	جایگاه مستضعفان بد که برای رهایی خود کاری نمی کنند، جهنم است (ترجمه آیه).	﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿	نساء ۹۷	۵
p۴.۱۳.۲	تلاش برای رهایی از ظلم	هیچ فردی اجازه ندارد که ظلم پذیر باشد (برداشت محقق).			
p۴.۱۴.۱	رابطه نیکوی مسلمانان در قبال مستضعفان خشی	مسلمانان وظیفه دارند به مستضعفان خشی کمک و یاری کنند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۲۱).	﴿إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَضِعُّونَ جِلَّةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿ وَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَغْفِرَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿	نساء ۹۹-۹۸	۶
p۴.۱۴.۲	استضعاف خشی: عدم چاره برای رهایی و عدم قابلیت هدایت پذیری				
p۴.۱۵.۱	نفی سلطه مطلق کفار و اهل کتاب بر مسلمانان	اهل کتاب و کفار در هیچ بعدی نباید بر مسلمانان تسلط داشته باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۷۵/۴؛ برداشت محقق).	﴿الَّذِينَ يَرْتَابُونَ بِمَقَرِّنَا مَنْ كُنَّا لَكُمْ فَخٌّ مِنَ اللَّهِ قَالُوا لَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كُنَّا لِلْكَافِرِينَ	نساء ۱۴۱	۷
p۴.۱۵.۲	ممنوعیت مقدمه سازی برای تسلط غیر مسلمانان بر مسلمانان	مسلمانان نباید کاری کنند که موجب تسلط کفار بر آنها شود (قرائتی، ۱۳۸۳: ۴۱۵/۲).	صَبِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْعُدْكُمْ مِمَّنْ نَعْتَمُّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَخْتَصِمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ		

			وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿١﴾		
p۵.۱۷.۱	رابطه مسلمانان با مستضعفان و مستکبران بر اساس اصل عدالت	عدالت یک اصل و تکلیف در روابط مسلمانان با سایرین است (همان: ۳۷/۳).	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا حَرَجٌ مِّنْكُمْ شَأْنٍ قَوْمٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ أَعْدِلُوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾	مانده ۸	۸
p۵.۱۹.۱	نفسی رابطه ولایی مسلمانان با اهل کتاب	مسلمانان نباید هیچ گونه رابطه ولایت و محبتی با اهل کتاب داشته باشند، ولو مستضعفان آن‌ها (همان: ۶۰۴/۳).	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنَّهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾	مانده ۵۱	۹
p۸.۲۳.۱	وجوب کمک به مسلمانان در هر مکان	کمک به مسلمانان در هر نقطه‌ای از جهان واجب است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۹).	﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَتَزَوَّجُوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ يَهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَضَرُّوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ التَّنْصُرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾		
p۸.۲۳.۲	لزوم تلاش عملی در کنار ایمان	اسلام، ایمان و عقیده، بدون تلاش و مجاهدت کافی نیست (قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۷۱/۴).		انفال ۷۲	۱۰
p۱۶.۲۸.۱	اختلاف انسان‌ها، مقدمه ایجاد جبهه	اختلاف انسان‌ها برای امتحان الهی و مشخص شدن حزب‌الله	﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾	نحل ۹۳	۱۱

		از حزب الشیطان است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۵۷۷).	وَلَكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلِنَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿		
p1۷.۲۹.۱	نیکی به همه بندگان خدا	قانون عام الهی در ارتباط با بندگان خدا، نیکی به آنان است؛ مسلمان باشند یا کافر (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۰۷).	﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسِنْتُمْ﴾	اسراء ۷	۱۲
p۲۱.۳۰.۱	موحدان، یک امت واحد	پیروان همه ادیان الهی، یک امت واحد هستند (همو، ۱۳۸۸: ۳۱).			
p۲۱.۳۰.۲	انسان‌ها، یک امت واحد	همه انسان‌ها یک امت واحد هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۵۵/۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵۷/۱۴).			
p۲۱.۳۰.۳	وحدت جامعه انسانی	جامعه انسانی باید دارای وحدت و یگانگی باشد و از هر گونه تبعیض و جدایی دوری کند (همان).	﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾	انبیاء ۹۲	۱۳
p۲۱.۳۰.۴	هدف واحد، هدف اجتماعی اسلام	هدف اسلام، تشکیل یک امت واحد الهی است و مسلمانان			
p۲۱.۳۰.۵	تلاش مسلمانان برای تشکیل امت واحد الهی	برای تحقق آن باید بکوشند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۶/۳؛ همو، ۱۳۷۰/۳/۲۶).			
p۲۱.۳۰.۶	نبرد تاریخی مستضعفان با مستکبران برای رسیدن به امت واحد	تاریخ، صحنه نبرد مستضعفان با مستکبران برای رسیدن به امت واحد است (برداشت محقق).			
p۲۴.۳۲.۱	ایمان و تلاش، شرط استخلاف مؤمنان مستضعف	استخلاف در زمین، مخصوص کسانی است که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند (ترجمه آیه).	﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ﴾	نور ۵۵	۱۴
p۲۴.۳۲.۲	جان‌شینی زمین، سرنوشت مستضعفان				
p۲۴.۳۲.۳	لزوم تلاش عملی در کنار ایمان				
p۲۴.۳۲.۴	استخلاف مؤمنان صالح یک سنت همیشگی	وعده حکومت مؤمنان صالح، یک سنت الهی و یک حکم			

		کلی برای همه جمعیت‌ها و قرون است؛ هرچند نمونه کامل آن در زمان ظهور است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۵۳۰/۱۴).			
p۲۴.۳۲.۵	اهل سنت جزء مصادیق «مستخلفین ارض»	اهل سنت نیز می‌توانند مصداق این آیه باشند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱/۲۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۱۸: ۳۰۰).			
p۲۸.۳۳.۱	استخلاف مستضعفان مؤمن، یک سنت همیشگی	وعده حکومت مستضعفان، یک حکم کلی برای همه جمعیت‌ها و قرون است؛ هرچند نمونه کامل آن در زمان ظهور است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹/۱۶).			
p۲۸.۳۳.۲	ایمان و تلاش، شرط استخلاف مؤمنان مستضعف	مستضعفان همان مؤمنان صالح‌اند (همان).	﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَمَنَعْنَاهُمُ أَنْ يُكْفَرُوا بِالَّذِينَ﴾	قصص ۵	۱۵
p۲۸.۳۳.۳	تلاش مستضعف صالح برای رهایی خود و دیگران	منظور از مستضعف در آیه کسی است که اگرچه تحت فشار ظالمان است، اما ساکت نیست و برای رهایی و برپایی حکومت حق تلاش می‌کند (همان).			
p۲۸.۳۳.۴	رفع استضعاف و محرومیت، هدف ادیان الهی	جهت حرکت کلی ادیان الهی، به سمت رفع استضعاف و محرومیت است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۷/۱۵).			
p۲۹.۳۵.۱	استفاده از بهترین شیوه بیانی و محتوایی و حرکتی در ارتباط با مستضعفان	گفتگو با غیر مسلمان و مخصوصاً مستضعفان آن‌ها باید با بهترین شیوه باشد (الفاظ، لحن، حرکات، محتوا) (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۵۴/۹).	﴿وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْنَا الْبَيْكُمُ وَاللَّهُمَّ وَاجِدْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ﴾	عنکبوت ۴۶	۱۶
p۲۹.۳۵.۲	مقبولیت گفتگو بین امت‌ها و فرهنگ‌ها نزد اسلام	تبادل نظر و گفتگوی صحیح میان مکتب‌ها، فرهنگ‌ها و امت‌ها، مورد قبول اسلام است (همان).			
p۲۹.۳۵.۳	تأکید بر اشتراکات در گفتگوها	در گفتگوها، قبل از اظهار عقیده و نظر، آنچه را که مورد			

		اتفاق است مطرح کنیم (همان).			
	p۴۹.۳۷.۱	پرهیز از وقوع نزاع و مقدمات آن بین مسلمانان	مسلمانان باید از بروز هر گونه نزاع و درگیری و حتی مقدمات آن در بین خود پرهیز کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۶۷/۲۲).	«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتِلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ مُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ* أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ أَخُوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَتِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»	حجرات ۱۷ ۱۰-۹
	p۴۹.۳۷.۲	تلاش برای برقراری صلح بین مسلمانان	مسلمانان باید با روش مقتضی برای برقراری صلح بین خود تلاش کنند (ترجمه آیه).		
	p۴۹.۳۷.۳	رابطه انحصاری برادری میان مسلمانان	میان مؤمنان، رابطه انحصاری برادری حقیقی وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۱/۱۸).		
	p۶۰.۳۹.۱	رابطه مسلمانان با کفار غیر حربی براساس برّ و قسط	مسلمانان باید با کفار غیر حربی رابطه برّ و قسط داشته باشند (ترجمه آیه).		
	p۶۰.۳۹.۲	رابطه مسلمانان با کفار غیر حربی و هم جبهه براساس برّ و قسط	مسلمانان باید با کفار غیر حربی مجاهد رابطه برّ و قسط داشته باشند (برداشت محقق).	«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُم فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ	ممتحنه ۹-۸
	p۶۰.۳۹.۳	رابطه مسلمانان با اهل کتاب براساس برّ و قسط	مسلمانان باید با اهل کتاب، رابطه برّ و قسط داشته باشند (برداشت محقق).		
	p۶۰.۳۹.۴	فطرت مشترک، عامل جواز ارتباط با مستضعفان غیر مسلمان	تنظیم روابط انسان‌های مسلمان و موحد با کافر، روی بخش مشترک فطرت آن‌هاست (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۳۳).		
	p۶۰.۳۹.۵	دوستی اسلام با کفار غیر حربی در عین باطل دانستن آن‌ها	اسلام با کفر و شرک هیچ پیوندی و هیچ آشنایی و آشتی‌ای ندارد، بلکه در قبال آن دوست، و آن‌ها را باطل می‌داند (همان).	و ظَاهِرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوْهُمْ»	
	p۶۰.۳۹.۶	جواز ارتباط بدون ولاء با کفار غیر حربی در کنار پیوند ولایی با مسلمانان	ارتباط بدون ولاء با کفار غیر حربی در کنار پیوند ولایی با برادران ایمانی رواست (همان: ۱۶۸).		

p۳.۴۱.۱	صبر مسلمانان در برابر دشمنان و شدائد	مسلمانان باید با هم در مقابل دشمن و شدائد، استقامت و صبر کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴۴/۴).			
p۳.۴۱.۲	صبر پایای مسلمانان در برابر دشمنان	هر قدر دشمن بر استقامت خود بیفزاید، مسلمانان نیز باید بر پایداری و استقامت خود بیفزایند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴۳/۳).	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَاصْبِرُوا وَرَابِطُوا وَالْقَوْلَ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ﴾	آل عمران ۲۰۰	۱۹
p۳.۴۱.۳	لزوم برقراری رابطه همه‌جانبه اجتماعی بین مسلمانان	مسلمانان باید به ایجاد و تحکیم و توسعه روابط همه‌جانبه و اجتماعی در همه شئون در بین خود اهتمام کنند (زرنگار، ۱۳۹۱: ۷۱).			
p۳.۴۱.۴	سعادت واقعی مسلمانان در گرو همکاری اجتماعی آنان	سعادت کامل و واقعی جز در پرتو همکاری اجتماعی مسلمانان میسر نیست (همان).			
p۹.۴۳.۱	فتنه‌خواهی و تفرقه‌افکنی منافقان در بین مسلمانان و غیر مسلمانان	منافقین خواهان فتنه برای شما هستند؛ همین منافقین بودند که همواره امور را برای تو دگرگونه ساخته، نعل را وارونه می‌زدند و مردم را به مخالفت تو دعوت و بر معصیت تخلف از امر جهاد تحریک نموده، یهودیان و مشرکان را بر قتال با مسلمانان برمی‌انگیختند و در میان مسلمین، جاسوسی و خرابکاری‌های دیگر می‌کردند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۹۰/۹).	﴿لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا إِخْتِلَافًا وَمُؤَاجِرَةً وَلَأَوَّضَكُمْ خِلَافًا يَكْفُرُونَ﴾ ﴿يَبْغُونَ كُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَمَّا بَلَغُوا الْحُلُمَ﴾	توبه ۴۷	۲۰
p۹.۴۳.۲	تلاش منافقان برای از بین بردن وحدت	منافقان همیشه وجود دارند و سعی می‌کنند در لحظات حساس و سرنوشت‌ساز با سمپاشی و سخن‌چینی، افکار مردم را به هم بریزند، روح وحدت را از بین ببرند و تخم شک و تردید را در افکار پیاشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳۶/۷).			

p۹۰.۴۳.۳	فتنه‌گری و تفرقه‌افکنی منافقان در برابر جبهه حق	فتنه‌گری و تفرقه‌افکنی، کار همیشه و پیوسته منافقان بوده و تا پیروزی قطعی جبهه حق، شیطنت می‌کند (قرائنی، ۱۳۸۳: ۷۴/۵).			
----------	---	--	--	--	--

۲-۴. کدگذاری محوری

پس از مشخص شدن مفاهیم و مقولات فرعی در کدگذاری باز، کدگذاری محوری انجام گرفت و این مفاهیم و مقولات فرعی، ذیل مقولات اصلی و عناصر پارادایمی قرار گرفت.

جدول ۲: کدگذاری محوری

کدگذاری مفاهیم	مقولات فرعی	ردیف
/p۴.۱۴.۲ / p۴.۱۳.۱ / p۳.۱۰.۲ / p۲.۱.۱ /p۲۳.۳۱.۲ / p۲۳.۳۱.۱ / p۲۱.۳۰.۲ / p۲۱.۳۰.۱ /p۲۸.۳۳.۳ / p۲۸.۳۳.۲ / p۲۴.۳۲.۵ / p۲۴.۳۲.۱ p۴۹.۴۲.۲ / p۴۹.۴۲.۱	قلمرو جبهه استضعاف و استکبار	۱
p۳.۷.۱	اصالت وحدت	۲
p۴.۱۳.۲	ممنوعیت ظلم‌پذیری	۳
/p۲۳.۳۱.۴ / p۲۳.۳۱.۳ / p۲۱.۳۰.۴ / p۲۱.۳۰.۳ p۵۷.۳۸.۲ / p۵۷.۳۸.۱ / p۲۸.۳۳.۴	هدف ادیان الهی	۴
p۸۲.۴۰.۱	وصول به عدالت اجتماعی	۵
p۳.۴۱.۴	وصول به سعادت واقعی	۶
p۲.۱.۳	برتری اسلام	۷
p۱۰.۲۵.۱ / p۲.۵.۱	سابقه وحدت بشر	۸
p۴۲.۳۶.۱ / p۱۶.۲۸.۱ / p۱۱.۲۶.۱ / p۵.۱۸.۱	اختیار و اختلاف انسان‌ها	۹
p۸۲.۴۰.۲ / p۶۰.۳۹.۴	فطرت مشترک انسانی	۱۰
/p۸.۲۳.۲ / p۳.۷.۵ / p۳.۷.۳ / p۳.۷.۲ / p۲.۱.۲ p۲۴.۳۲.۳	لوازم ارتباطات	۱۱
/p۴.۱۴.۱ / p۴.۱۲.۱ / p۳.۱۰.۳ / p۲.۳.۱ /p۲۹.۳۵.۱ / p۲۸.۳۴.۱ / p۱۷.۲۹.۱ / p۱۶.۲۷.۱ /p۳.۱۰.۱ / p۲.۳.۲ / p۲۹.۳۵.۳ / p۲۹.۳۵.۲ p۶.۲۱.۱ / p۵.۱۷.۱ / p۴.۱۱.۱	ارتباطات با همه مستضعفان (مسلمان، اهل کتاب، کافر...)	۱۲
p۵.۲۰.۲ / p۵.۱۹.۱	ارتباطات با اهل کتاب مستضعف	۱۳

/p۳.۸.۳ / p۳.۸.۲ / p۳.۸.۱ / p۲.۶.۲ / p۲.۶.۱ p۲.۶.۳ / p۶۰.۳۹.۳ / p۳.۹.۲ / p۳.۹.۱ / p۳.۸.۴	ارتباطات با موحدان مستضعف (مسلمان و اهل کتاب)	۱۴
/p۴۹.۳۷.۲ / p۴۹.۳۷.۱ / p۸.۲۳.۱ / p۳.۷.۴ /p۳.۴۱.۳ / p۳.۴۱.۲ / p۳.۴۱.۱ / p۴۹.۳۷.۳ ۲.۴.۱	ارتباطات با مسلمانان مستضعف (شیعه، سنی...)	۱۵
p۴.۱۵.۲ / p۴.۱۵.۱	ارتباطات با غیر مسلمانان مستضعف	۱۷
/p۶۰.۳۹.۵ / p۶۰.۳۹.۱ / p۹.۲۴.۱ / p۴.۱۶.۱ p۶۰.۳۹.۲ / p۶۰.۳۹.۶	ارتباطات با غیر موحدان مستضعف	۱۸
p۲.۵.۲	دین الهی مقوم ارتباطات مستضعفان	۱۹
p۱۰.۲۵.۲	مستکبران مانع ارتباطات مستضعفان	۲۰
p۹.۴۳.۳ / p۹.۴۳.۲ / p۹.۴۳.۱	منافقان مانع ارتباطات مستضعفان	۲۱
p۲۸.۳۳.۱ / p۲۴.۳۲.۴ / p۷.۲۲.۲	سنن الهی	۲۲
/p۲۳.۳۱.۵ / p۲۱.۳۰.۶ / p۲۱.۳۰.۵ / p۷.۲۲.۱ p۲۴.۳۲.۲	حکومت سرنوشت مستضعفان	۲۳
p۵۷.۳۸.۳	اقامه قسط هدف ارتباطات	۲۴
p۵۷.۳۸.۴	ترکیه هدف ارتباطات	۲۵

جدول ۳: دسته‌بندی مقولات فرعی در مقولات اصلی

مقوله فرعی	مقوله اصلی	ردیف
قلمرو جبهه استضعاف و استکبار	پدیده	۱
اصالت وحدت	شرایط علی	۲
ممنوعیت ظلم‌پذیری		
هدف ادیان الهی		
وصول به عدالت اجتماعی		
وصول به سعادت واقعی	زمینه	۳
سابقه وحدت بشر		
اختیار و اختلاف انسان‌ها		
فطرت مشترک انسانی	شرایط مداخله‌گر	۴
دین الهی مقوم ارتباطات مستضعفان		
برتری اسلام		
مستکبران مانع ارتباطات مستضعفان		
منافقان مانع ارتباطات مستضعفان		
سنن الهی		

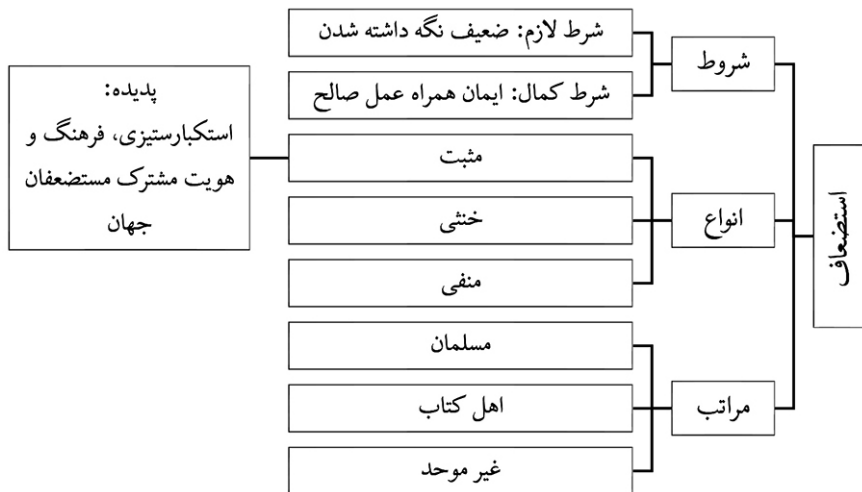
لوازم ارتباطات	راهبردهای کنش / کنش مقابل	۵
ارتباطات با همه مستضعفان		
ارتباطات با اهل کتاب مستضعف		
ارتباطات با موحدان مستضعف		
ارتباطات با مسلمانان مستضعف		
ارتباطات با غیر مسلمانان مستضعف		
ارتباطات با غیر موحدان مستضعف	پیامد	۶
حکومت سرنوشت مستضعفان		
اقامه قسط هدف ارتباطات		
ترکیه هدف ارتباطات		

۴-۲-۱. پدیده

با توجه به نکات تفسیری استخراج شده از آیات، می توان «استکبارستیزی به مثابه فرهنگ و هویت مشترک وحدت بخش مستضعفان جهان» را به عنوان پدیده اصلی این پژوهش تعریف کرد. برای توضیح بیشتر، ابتدا مفهوم مستضعف را از منظر قرآن کریم بررسی می کنیم. با توجه به آیات قرآن می توان انواع و شروطی برای استضعاف برشمرد؛ انواع آن عبارت اند از: استضعاف منفی، خنثی و مثبت. استضعاف منفی یعنی آنکه فرد مستضعف برای رهایی خود تلاشی نکند. چنین افرادی در قرآن مذمت شده اند و جایگاه آنان دوزخ است. استضعاف خنثی مخصوص عده ای است که نه چاره ای برای رهایی دارند و نه امیدی به هدایت آنان است. امید این می رود که خداوند با رحمت با آنان رفتار کند. اما استضعاف مثبت، استضعافی است که در آن فرد مستضعف برای رهایی خود و حتی دیگران تلاش می کند و مقصود ما در این پژوهش، همین دسته اند.

شرط لازم استضعاف و در حقیقت وجه مشترک مستضعفان، همان ضعیف و تحت ظلم نگاه داشته شدن است که توسط مستکبران انجام می گیرد. هر سه نوع استضعاف منفی، خنثی و مثبت، این شرط را دارا هستند. اما شرط کمال آن، که فقط بخشی از مستضعفان مثبت (و نه همه آنها) از آن برخوردارند، ایمان و عمل صالح است. شرط ایمان، مسلمانان (شیعه و سنی) و اهل کتاب را در بر می گیرد و غیر موحدان مستضعف را هر چند عمل صالح داشته باشند و برای نجات خود و دیگران تلاش کنند، خارج

می‌کند؛ کما اینکه شرط عمل صالح، مسلمانان و اهل کتابی را که ایمان دارند، اما عمل صالح ندارند، از این دایره خارج می‌کند. به تعبیر دیگر، مستضعفان فراتر از یک مذهب یا دین خاص هستند، اما مراتبی دارند. غیر موحدان، اهل کتاب و مسلمانان مستضعف، با همه اختلافاتی که میانشان وجود دارد، به شرط مبارزه با مستکبران می‌توانند در جبهه مستضعفان مثبت قرار بگیرند (هرچند رابطه مسلمانان با دو گروه دیگر محدودیت‌هایی دارد و رابطه حقیقی و ولایی فقط بین مسلمانان برقرار است). از طرف دیگر مفهوم مستضعف بدون مستکبر معنا ندارد؛ پس آنجا که سخن از ارتباطات میان مستضعفان است، نمی‌توان از ارتباط مستضعفان با مستکبران سخنی به میان نیآورد. آن‌چنان که از کلام خدا برداشت می‌شود، استکبار نیز دین و مذهب خاصی نمی‌شناسد؛ مستکبران می‌توانند از کفار، مشرکان، اهل کتاب و حتی مسلمانان و شیعیان باشند و صرف قرار گرفتن در یکی از این گروه‌ها، فرد را در زمره مستکبران یا مستضعفان قرار نمی‌دهد، هرچند تکلیف مسلمانان در برابر هر گروه متفاوت است. اگر خداوند فرمان به قتال با گروهی از مشرکان و کفار می‌دهد، نه از باب شرک و کفر آن‌ها، که از باب استکبار و ظلمی است که روا می‌دارند. لذا می‌توان استکبارستیزی را به مثابه فرهنگ و هویت مشترک وحدت‌بخش مستضعفان در نظر گرفت.



شکل ۱: پدیده

۲-۲-۴. شرایط علی

با بررسی آیات منتخب، پنج علت برای تشکیل جبهه مستضعفان و برقراری ارتباطات میان آن‌ها احصاء شد:

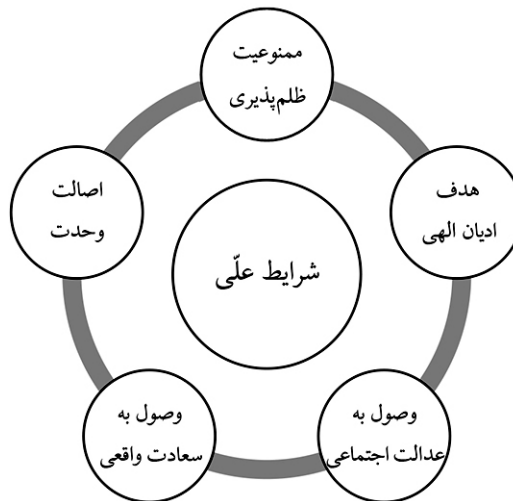
اول آنکه ظلم‌پذیری ممنوع است. مسلمانان موظف‌اند تلاش کنند و خود و دیگران را از زیر یوغ ستم مستکبران رها سازند و برای این کار به تشکیل جبهه نیاز است.

دوم آنکه هدف انبیای الهی، تشکیل وحدت جوامع انسانی و تشکیل امت واحده و رفع استضعاف بوده است و برای این کار هم باید جبهه مستضعفان را تشکیل داد و هم با جبهه مستکبران مبارزه کرد.

سوم آنکه وحدت اسلامی اصالت دارد. این نکته فقط لزوم تشکیل جبهه مستضعفان بین مسلمانان را اثبات می‌کند.

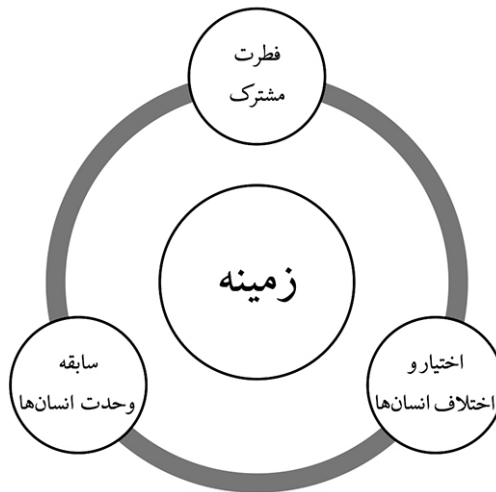
چهارم آنکه رسیدن به عدالت اجتماعی، خواسته تمام انسان‌هاست و این بدون تشکیل جبهه مستضعفان و اتحاد آن‌ها و مبارزه و نابودی مستکبران ممکن نیست.

پنجم وصول به سعادت واقعی، یعنی سعادت واقعی و کامل، وقتی برای مسلمانان حاصل می‌شود که ارتباطات اجتماعی خود را به طور کامل و در همه شئون برقرار سازند؛ در غیر این صورت اگر هم سعادت حاصل شود، قطعاً ناقص خواهد بود.



شکل ۲: شرایط علی

ارتباطات جبهه مستضعفان، در سه زمینه فطرت مشترک، اختیار و اختلاف انسان‌ها و سابقه وحدت آن‌ها شکل می‌گیرد. فطرت مشترک، نیازها و تمایلات مشترکی به وجود می‌آورد که در بستر آن می‌توان انسان‌های با عقاید مختلف را ذیل یک چتر گرد آورد. از طرف دیگر، انسان‌ها مختار و مختلف آفریده شده‌اند تا خود انتخاب کنند؛ در حزب خدا یا حزب شیطان، و در جبهه مستضعفان یا مستکبران باشند. زمینه دیگر، سابقه وحدت نزد انسان‌هاست؛ آن‌ها سابقه یک امت واحده بودن را دارا هستند، آن‌ها وحدت جهان را درک می‌کنند و تمایل به وحدت دارند.

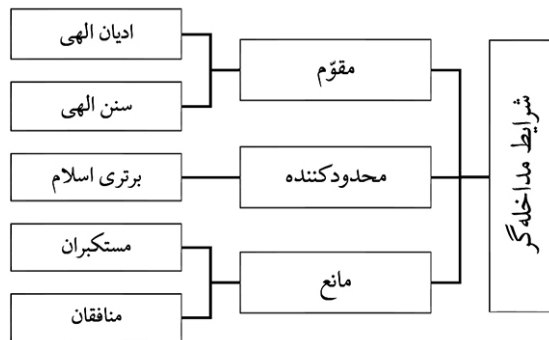


شکل ۳: زمینه

۴-۲-۴. شرایط مداخله‌گر

وجود مستکبران در طول تاریخ، یکی از موانع اتحاد انسان‌ها و تشکیل جبهه مستضعفان بوده است. آن‌ها که منافع خود را در خوی استکباری و ستم به مردم می‌بینند، مانع از اتحادشان می‌شوند. مانع دیگر، منافقان هستند. آن‌ها را نه در دسته مؤمنان حقیقی و نه در دسته کفار می‌توان جای داد؛ بلکه این افراد ضعیف‌الایمان که از جامعه ایمانی برخاسته‌اند، به واسطه همین ضعف ایمان و دل‌مریض خود، در میان مستضعفان مسلمان تفرقه‌افکنی و وحدت‌شکنی کرده و روحیه آنان را در برابر مستکبران و دشمنان

تضعیف می نمایند. اما در مقابل، دین الهی در مقابل مستکبران و منافقان می ایستد و شرایط را برای تشکیل جبهه مستضعفان فراهم می کند. یکی دیگر از مداخله گران مثبت، سنن الهی است که به کمک مستضعفان آمده و آنان را برای غلبه بر مستکبران یاری می کند و سرانجام پیروزی را از آن مستضعفان می گرداند. پنجمین عامل مداخله گر، برتری اسلام است که به عنوان محدودکننده و کنترل کننده ارتباطات میان فرهنگی جبهه مستضعفان عمل می کند و در عین اینکه گروه های مختلف انسانی را به اتحاد فرا می خواند، اما مطلقاً اجازه نمی دهد که بر اسلام اندکی تسلط و برتری یابند.



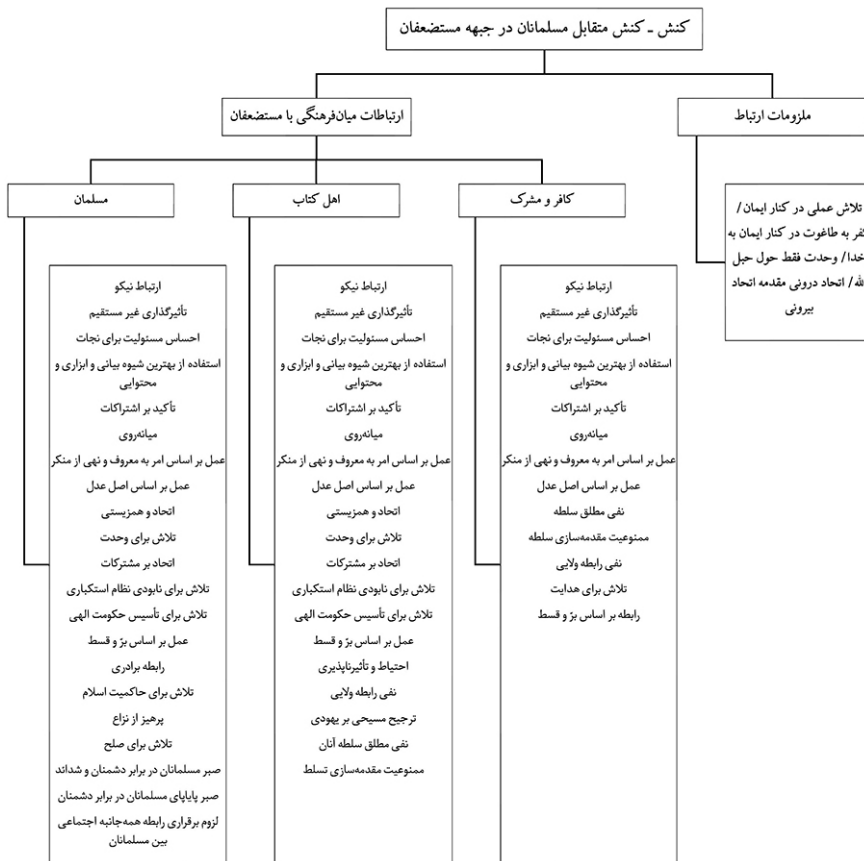
شکل ۴: شرایط مداخله گر

۴-۲-۵. راهبردهای کنش/کنش متقابل

کنش ارتباطی مسلمانان در جبهه مستضعفان ملزوماتی دارد که بر همه ارتباطات آنان حکم فرماید: تلاش عملی در کنار ایمان، کفر به طاغوت در کنار ایمان به خدا، وحدت حول جبل الله و تقدم اتحاد درونی بر اتحاد بیرونی.

ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان شامل ارتباط با مسلمانان، اهل کتاب و کفار و مشرکان می باشد و برای هر کدام احکام و توصیه هایی وجود دارد. برخی از توصیه ها عمومی است و در ارتباط با مسلمان و غیر مسلمان باید رعایت شود؛ مانند ارتباط نیکو، ارتباط عادلانه، میانه روی، تأکید بر اشتراکات، عمل بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر و... اما احکام اختصاصی نیز برای ارتباط مسلمانان با سایر مستضعفان وجود دارد که مراتب آن ارتباط بر اساس درجه ایمان آنها شکل می گیرد. غیر موحدان مستضعف در پایین ترین مرتبه قرار می گیرند که به دلیل زمینه های مشترک که بیشتر ذکر شد و فقط در

مبارزه با استکبار با مسلمانان در یک جبهه قرار می‌گیرند و رابطه حقیقی و راهبردی با آنان برقرار نمی‌شود. در مرتبه بعدی، اهل کتاب مستضعف (یهودیان در مرتبه دورتر، و مسیحیان در مرتبه نزدیک‌تر) قرار دارند که از حدی از ایمان برخوردارند و بر این اساس، علاوه بر مبارزه با استکبار، با آنها برای تشکیل نظام الهی می‌توان هم‌جبهه شد، اما باز هم مسلمانان از برقراری رابطه حقیقی و ولایی با آنان منع شده‌اند. در نهایت در بالاترین مرتبه، ارتباط با مسلمانان مستضعف (شیعیان در مرتبه بالاتر از اهل سنت) قرار دارد که به دلیل ایمان، رابطه حقیقی و ولایی بین آنها برقرار است و برای حاکمیت اسلام با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. تقسیم‌بندی این ارتباطات در نمودار زیر قابل مشاهده است:



شکل ۵: راهبردهای کنش / کنش متقابل

۴-۲-۶. پیامدها

تشکیل جبهه مستضعفان از دیدگاه قرآن سه پیامد می‌تواند داشته باشد:

۱. جانشینی و حکومت بر زمین و تشکیل امت واحده که آرزو و تلاش همه پیامبران بوده است تا احکام الهی پیاده شود. در قرآن کریم از مستضعفان به عنوان وارثان و جانشینان زمین یاد شده است.
۲. اقامه قسط و عدالت اجتماعی که ثمره پیامد قبل است و به تعبیر قرآن، هدف از ارسال رسل، برانگیختن مردم توسط ایشان برای اقامه قسط بوده است.
۳. تزکیه مردم که ثمره پیامد قبلی است. اگر اقامه قسط را هدف اجتماعی انبیا بدانیم، تزکیه مردم هدف فردی انبیاست و اقامه قسط در حقیقت مقدمه‌ای است برای نیل به آن.



شکل ۶: پیامدها

۵. کدگذاری انتخابی

بررسی و تدبیر در قرآن کریم نشان می‌دهد که آیات متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر امری دلالت دارند که می‌توان از آن به «تشکیل جبهه جهانی مستضعفان» تعبیر کرد. در طول تاریخ همواره برخی انسان‌ها برخی دیگر را تحت ظلم قرار داده و آن‌ها را ضعیف نگه داشته‌اند. نه مستکبران منحصر در گروه یا دین خاصی بوده‌اند و نه مستضعفان. اما انسان‌ها با وجود تفاوت‌ها و اختلاف‌های بسیار، در خصلت ضعیف نگه داشتن یا ضعیف نگه داشته شدن مشترک بوده‌اند. گروهی به این ظلم‌پذیری راضی بوده و در مقابله با ظالمان همتی نداشتند؛ اما گروهی دیگر، برای بازستاندن حق خود از ظالمان ساکت نمی‌نشستند. به تعبیر دیگر، دسته دوم مستضعفان در هویت «استکبارستیزی» مشترک بوده و هستند. این هویت مشترک در عمل نیز باید عامل وحدت‌بخشی باشد که منجر به تشکیل جبهه مستضعفان و در نهایت رهایی آن‌ها شود. در این جبهه، درجات بر اساس میزان ایمان و عمل صالح بالا می‌رود. با توجه با

آیات قرآن کریم می‌توان الگوی ارتباطات میان مستضعفان را تبیین نمود.

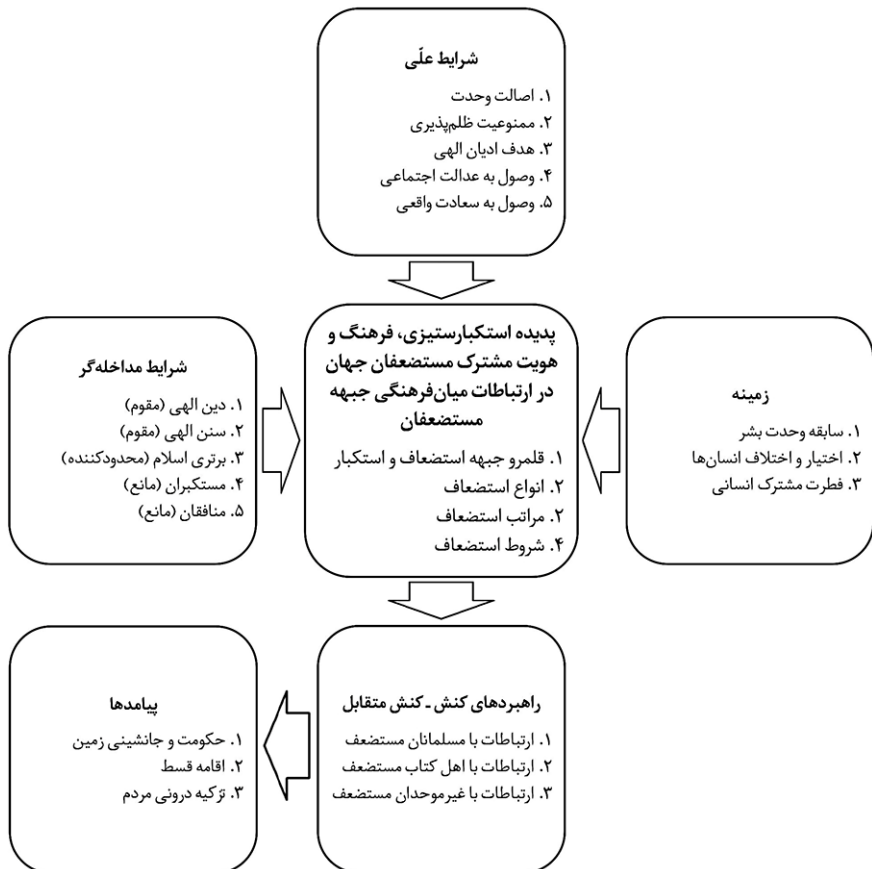
تشکیل این جبهه از آن جهت ضرورت دارد که اولاً ظلم‌پذیری ممنوع است و مسلمانان باید برای رهایی خود و دیگران از ظلم کوشش کنند. ثانیاً هدف ادیان و پیامبران الهی به وحدت رساندن مردم و جوامع بوده است. ثالثاً در امت اسلامی، اصالت با وحدت این است، آن هم وحدت جمعی. رابعاً رسیدن به عدالت اجتماعی، خواسته فطری تمام انسان‌هاست و بدون اتحاد و تشکیل جبهه، این مهم محقق نمی‌شود. خامساً سعادت واقعی و کامل، وقتی برای مسلمانان حاصل می‌شود که ارتباطات اجتماعی خود را به طور کامل و در همه شئون برقرار سازند، در غیر این صورت، اگر هم سعادت حاصل شود، قطعاً ناقص خواهد بود. در کنار علل باید به زمینه و بستر شکل‌گیری جبهه نیز توجه نمود. این ارتباطات استکبارستیزانه در بستری از فطرت مشترک، اختیار و اختلاف انسان‌ها و سابقه وحدت آن‌ها شکل می‌گیرند. انسان‌ها به واسطه سابقه وحدتی که در گذشته داشتند و فطرت مشترکی که از آن برخوردارند، زمینه ایجاد جبهه مستضعفان و مقابله با استکبار را دارا هستند. همچنین در این مسیر، اختیار انتخاب دارند که تن به ظلم دهند یا علیه آن قیام کنند یا حتی عضوی از همان مستکبران شوند.

البته در مسیر استکبارستیزی و تشکیل جبهه مستضعفان، تنها اراده و اختیار و فطرت انسان‌ها دخیل نیست، بلکه برخی عوامل بیرونی نیز وجود دارند که بر روی آن اثر می‌گذارند. سنن الهی، یاری‌دهنده انسان‌ها در این مسیرند. دین الهی نیز با حل کردن اختلافات، تسهیل‌کننده اتحاد است. البته در کنار هم قرار گرفتن ادیان و مسلک‌های مختلف در این جبهه، به معنای پلورالیسم نیست، بلکه اسلام و مسلمانان باید دست برتر را داشته باشند. در نهایت، این مستکبران (از بیرون جامعه اسلامی) و منافقان (از درون جامعه اسلامی) هستند که از راه‌های مختلف، برای تشکیل نشدن جبهه مستضعفان می‌کوشند.

اما همه این عوامل، فرع بر اراده انسان‌هاست. تا عزم آن‌ها جزم نشود، شرایط تسهیل‌کننده مداخله‌گر عمل نمی‌کند و اگر عزم آن‌ها جزم شد شرایط ممانعت‌کننده مداخله‌گر نیز کارگر نمی‌افتد. برای تحقق این عزم، قرآن کریم توصیه‌هایی دارد. همان طور که گفته شد، این جبهه استکبارستیز، فرامذهبی، فرادینی و فرامسلکی است، اما تعامل با آن‌ها یکسان نیست. قرآن در کنار توصیه‌های عمومی، در قبال برقراری ارتباط با هر دسته

از جبهه مستضعفان رهنمودهایی دارد. به میزانی که ایمان حقیقی مستضعفان بیشتر باشد، رابطه مسلمانان با آن‌ها حقیقی‌تر و راهبردی‌تر می‌شود و به میزانی که ایمان آن‌ها کمتر باشد یا اصلاً ایمانی نباشد، رابطه مسلمانان با آن‌ها قراردادی و تاکتیکی‌تر می‌شود.

اگر به این راهبردهای کنش توجه و عمل شود، ثمره جبهه استکبارستیز مستضعفان محقق خواهد شد. ثمره آن در مرحله اول، حکومت بر زمین است، آن‌چنان که خداوند وعده داده است. سپس به واسطه این حکومت، قسط و عدل در جهان حکم‌فرما می‌شود که هدف اجتماعی انبیای الهی است. در صورت تحقق این هدف نیز هدف فردی بعثت انبیا محقق خواهد شد، یعنی تزکیه و تحول درونی انسان‌ها که همان سعادت بشر است.



شکل ۷: کدگذاری انتخابی

نتیجه گیری

این پژوهش در پاسخ به دو سؤال زیر انجام گرفت: «آیا شکل گیری جبهه جهانی مستضعفان، مورد قبول قرآن است و آیا غیر مسلمانان هم در این جبهه جایگاهی دارند؟» و «الگوی مطلوب ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان جهان از منظر قرآن کریم چیست؟»

تدبر در آیات قرآن کریم نشان می دهد که تشکیل جبهه جهانی مستضعفان، امری مورد تأیید کتاب خداست. در واقع مسئله ای که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و توسط امام خمینی مطرح شد، ریشه ای قرآنی دارد. همچنین در این پژوهش، ابعاد و الگوی ارتباطات میان فرهنگی مستضعفان احصا شد، «استکبارستیزی به مثابه فرهنگ و هویت مشترک مستضعفان جهان» به عنوان پدیده اصلی قرار گرفت و علل، زمینه ها، شرایط مداخله گر، راهبردهای کنش / کنش متقابل و پیامدهای آن از آیات منتخب استخراج شد. طبق این الگو، مستضعفان مراتب، انواع و شروطی دارند و ارتباطات میان آنها موسع، اما مشکک است. به تعبیر دیگر این جبهه، فرامذهبی، فرادینی و فرامسلکی است، اما نوع ارتباط با هر دسته از آنها متفاوت است و به میزان ایمان حقیقی افراد بستگی دارد؛ یعنی به میزانی که ایمان حقیقی مستضعفان بیشتر باشد، رابطه مسلمانان با آنها حقیقی تر و راهبردی تر می شود و به میزانی که ایمان آنها کمتر باشد یا اصلاً ایمانی نباشد، رابطه مسلمانان با آنها قراردادی و تاکتیکی تر می شود. همچنین در این ارتباطات، اصولی هستند که به عنوان اصول حاکم عمل می کنند؛ مانند اصل وحدت، اصل عدل، اصل برّ، اصل مسئولیت پذیری و امر به معروف و نهی از منکر، اصل نهی ولایت غیر مسلمانان، اصل نفی مطلق سلطه غیر مسلمانان، اصل میانه روی، اصل نفی نظام استکباری و اثبات نظام الهی. در واقع می توان این اصول را ذیل اصل عدالت جای داد؛ چرا که همان طور که امام خمینی می فرماید:

- «عدالت مبدأ تمام فضایل نفسانی است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۴۹).

- «عدالت مطلقه، تمام فضایل باطنیه و ظاهریه و روحیه و قلبیه و نفسیه و جسمیه

است» (همو، ۱۳۹۲: ۱۵۳).

از یک سو، عدالت را به «رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذی حق، حق او را» (مطهری، ۱۳۹۵: ۵۶) معنا کرده‌اند که تسری این امر در ارتباطات میان فرهنگی مسلمانان با دیگران بدین صورت می‌شود که مهم‌ترین و جامع‌ترین اصل در این ارتباط، اصل عدل است، چه با غیر موحدان، چه با اهل کتاب، چه با مسلمانان و چه حتی با مستکبران؛ مثلاً حق غیر مسلمانان مستضعف که باید به آن‌ها اعطا شود، رعایت احسان و اتحاد و هدایت است و حق غیر مسلمانان مستکبر که باید به آن‌ها اعطا شود، قیام و قتال و هدایت است. این عدل را می‌توان عدل فردی نامید. از سوی دیگر، عدل اجتماعی را می‌توان تشکیل جبهه مستضعفان و هموردی با جبهه مستکبران دانست.

در مقام تحقق جبهه مستضعفان باید گفت به نظر می‌رسد ایجاد این جبهه تدریجی بوده و روند شکل‌گیری آن با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شروع شده و در طول این چهل سال با فراز و نشیب به پیش رفته است و شناخت رعایت اصول قرآنی بیان‌شده در این پژوهش، در ادامه این مسیر ضروری می‌نماید. جمهوری اسلامی به عنوان میاندار و پرچم‌دار این جبهه با حفظ اصول خود، همواره با گروه‌های مستضعف و مقاوم شیعی (مانند حزب‌الله لبنان)، اهل سنت (مانند گروه‌های مختلف فلسطینی و بوسنیایی)، مسیحی (مانند جنبش‌های اعتراضی در ایرلند) و حتی غیر الهی و کمونیستی (مانند کوبا و کره شمالی) در ارتباط و تعامل بوده است. همراهی و همکاری ایران با گروه‌های غیر اسلامی و غیر الهی همواره مشروط به حفظ برتری اسلام و اصول اسلامی بوده و تا آنجایی ادامه داشته که آن‌ها متعرض اصل توحید نشده و در مقابل ما روحیه استکباری بروز ندادند. جمهوری اسلامی با کوبای کمونیستی تعامل سازنده داشت، اما با شوروی کمونیستی خیر؛ به همین دلیل که شوروی از خود روحیه استکباری بروز داده و متعرض دین اسلام شده بود. همچنین تعامل جمهوری اسلامی با مستضعفان غیر اسلامی و غیر الهی به معنای پذیرش ولایت و دوستی آنان نبوده و صرفاً بر اساس منافع مشترک و دشمن مشترک شکل گرفته است. تعریف جایگاه جمهوری اسلامی به عنوان پرچم‌دار این جبهه و احیاکننده اسلام اصیل در امت اسلامی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم، باعث بیداری و مقاومت مسلمانان شده، خود عاملی است که از برتری غیر مسلمانان در جبهه جهانی مستضعفان جلوگیری می‌کند. به تعبیر دیگر،

همان گونه که جمهوری اسلامی مبتکر و پیشگام استکبارستیزی بوده، در ادامه مسیر نیز با تأکید بر این مقوله می‌تواند جایگاه خود را مستحکم‌تر کرده و مانع از غلبه سایر گفتمان‌های غیر الهی، غیر اسلامی و حتی اسلامی غیر اصیل بر گفتمان اسلام ناب خود شود و دست برتر را حفظ نماید.

علاوه بر موضوعات بیان‌شده، در طول انجام این پژوهش، ایده‌ها و پیشنهادهای پژوهشی برای نگارندگان مطرح شد که برای استفاده علاقه‌مندان و تکمیل این حوزه پژوهشی، ارائه می‌گردد. این پژوهش با بررسی برخی آیات منتخب قرآن کریم صورت گرفته و پیشنهاد می‌شود که تمامی آیات مصحف شریف با این رویکرد مورد بررسی قرار گیرد. همچنین این الگو را می‌توان در ارتباطات مستضعفان با مستکبران نیز پیگیری نمود.

کتاب‌شناسی

۱. اسکندری، محمدحسین، «مستضعفان و مستکبران از دیدگاه قرآن و عترت (۱)»، فصلنامه نور علم، شماره ۲۸، مهر ۱۳۶۷ ش.
۲. بشیر، حسن، دانشنامه علوم ارتباطات: جلد اول (ارتباطات)، تهران، کارگزار روابط عمومی، ۱۳۹۳ ش.
۳. همو، دیپلماسی گفت‌مانی: تعامل سیاست، فرهنگ و ارتباطات، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵ ش.
۴. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۷۶ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، روابط بین‌الملل در اسلام، قم، اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۶. همو، مفاتیح الحیاة، قم، اسراء، ۱۳۹۱ ش.
۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، «مجموعه بیانات»، وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار آیه‌الله العظمی حسینی خامنه‌ای به نشانی <<https://khamenei.ir>>.
۸. همو، ولایت و حکومت، تهران، مؤسسه فرهنگی ایمان جهادی، ۱۳۹۱ ش.
۹. دانایی‌فرد، حسن و آذر اسلامی، ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی: کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده‌بنیاد در عمل، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۱۰. ذوالفقاریان، محمدرضا و میثم لطیفی، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با نرم‌افزار NVivo8، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۱۲. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «شیوه‌های تفسیر موضوعی قرآن کریم»، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۶، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. رضی، حسین، «ارتباطات میان فرهنگی (تاریخ، مفاهیم و جایگاه)»، دین و ارتباطات، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره‌های ۶-۷، تابستان و پاییز ۱۳۷۷ ش.
۱۴. زرنگار، احمد، مبانی ارتباطات اجتماعی از منظر قرآن کریم، تهران، دانشکده صدا و سیما، ۱۳۹۱ ش.
۱۵. صدر، سیدمحمدباقر، المدرسة القرآنیة، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۱۶. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۷. فلیک، اووه، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی، ۲۰۰۶ م.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۹. کافی، مجید، نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ ش.
۲۰. مرادی زنجانی، حسین و محمدعلی لسانی فشارکی، روش تحقیق موضوعی در قرآن کریم، زنجان، قلم مهر، ۱۳۸۵ ش.
۲۱. مطهری، مرتضی، عدل الهی، چاپ چهل و هفتم، تهران، صدرا، ۱۳۹۵ ش.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۲۳. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، آداب الصلاة، چاپ هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش.
۲۴. همو، شرح چهل حدیث، چاپ پنجاه و هفتم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲ ش.
۲۵. همو، لب‌الائرفی الجبر و القدر، تقریر جعفر سبحانی تبریزی، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع)، ۱۴۱۸ ق.

۲۶. نیومن، ویلیام لاورنس، شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ترجمه حسن دانایی‌فرد و سیدحسین کاظمی، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۹۹۷ م.
۲۷. یساقی، علی‌اصغر و سیدمحمدعلی ایازی، «تحلیل مبانی و رویکرد شهید صدر به تفسیر موضوعی»، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن، شماره ۲۵، پاییز ۱۳۸۹ ش.

28. Klopff, D. W. & Myung-Seok Park, *Cross-Cultural Communication: An Introduction to the Fundamentals*, Seoul, Han Shin Publishing Co., 1982.



موجز المقالات

دراسة مقارنة للكفاءة الذاتية من منظور القرآن وعلم النفس

- رضا شكراني (أستاذ مشارك بجامعة أصفهان)
- وحيد سليمي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة آزاد الإسلامية، قسم خوراسكان)
- أمير قمراني (أستاذ مساعد بجامعة أصفهان)

الكفاءة الذاتية تعني: معتقدات الشخص أو أحكامه حول قدرته على أداء المهام والمسؤوليات. هذا المفهوم هو أحد المفاهيم التي حقّقها علماء النفس من خلال دراسة الخصائص البشرية ومن خلال الدراسات التجريبية. يحاول هذا المقال إعادة قراءة هذا المفهوم من منظور قرآني ودراسته بطريقة مقارنة في علم النفس والقرآن. تبين من خلال تفحص آيات القرآن الكريم أنّ القرآن قد اهتمّ بإيمان الإنسان بقدراته كمبدأ على طريق الكمال، وقد أثار هذا الموضوع في بعض الآيات. ومن خلال مقارنة مفهوم الكفاءة الذاتية في القرآن وعلم النفس، تبين أنّه تمّ التطرّق في آيات القرآن إضافة إلى ما يُقال في علم النفس، إلى مصادر وعوامل أخرى. في هذه الدراسة وردت مصادر الكفاءة الذاتية التي تمّ تأكيدها من منظور القرآن في قسمين: ١- آيات القرآن التي تؤكد مصادر الكفاءة الذاتية من وجهة نظر علم النفس، ٢- مصادر الكفاءة الذاتية التي تمّ توضيحها في القرآن بشكل محدد.

كما توجد اختلافات في قسم تكوين وتشكل الكفاءة الذاتية من منظور القرآن وعلم النفس. الكلمات الأساسية: القرآن، علم النفس، الكفاءة الذاتية، الإيمان، القدرة، المسؤولية.

تقييم القدرات السوسولوجية للدين في إعادة بناء السياق الديني لعصر نزول القرآن

- حسين شجاعى (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بمجمع فارابى التابع لجامعة طهران)
- روح الله داورى (دكتوراه في التفسير المقارن بجامعة قم)
- سيد رضا مؤذّب (أستاذ بجامعة قم)

إذا اعتبرنا أنّ الكلمات ظاهر النصّ وجسمه، فإنّ السياق هو باطنه وروحه. فالكلمات تأخذ معانيها على أساس السياق، وتجاهلها بمثابة تفسير النصّ بالرأى. لكن كيف يمكن الحصول على السياق، خاصّة في نصوص مثل القرآن؟ والذى يفصله عن زماننا وقت طويل، فكيف يتمّ تحقيق هذا لهدف، وبأية آليّة يمكن الحصول على مشهد أعيد بناؤه لتلك العصور؟ إنّ تحقيق هذا الهدف معقّد للغاية ويتطلّب تعاون العديد من العلوم. تشارك العديد من السياقات، مثل السياسة والاقتصاد والثقافة والدين، في إعادة بناء السياق، وكلّ منها يتطلّب أدواته الخاصّة لإعادة البناء. في غضون ذلك، إذا سعينا إلى إعادة بناء السياق الديني، فإنّ علومًا مثل سوسولوجية الدين لديها القدرة المناسبة لهذا الغرض. وبناءً على هذه القدرة حاول مؤلّفو هذه المقالة اختبار قدرة هذا العلم في إعادة بناء سياق الوثيقة في عصر ما قبل الإسلام، باستخدام إحدى الطرق المتاحة في علم اجتماع الدين كمنهج للتحليل الوظيفي. وعليه ظهر أنّ عبادة الأصنام في الجزيرة العربية كان لها ثلاثة وظائف تتمثّل بالأمن والعهد والعرف، وبسبب هذه الخصائص الإيجابية كان لعرب الجاهليّة إقبال شديد على ذلك. الكلمات الأساسية: إعادة بناء أجواء النزول، علم اجتماع الدين، التفسير، الوثيقة.

النموذج المثاليّ للتواصل بين الثقافات للمستضعفين في العالم من منظور القرآن الكريم

- محمّد صادق نصر اللهيّ (أستاذ مساعد بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)
- محمّد رضا كوهكن (طالب دكتوراه في الثقافة والعلاقات بجامعة الإمام الصادق عليه السلام)

على الرغم من الاختلافات الكبيرة في الدين واللغة، والعادات والجنسية، والعرق واللون وما إلى ذلك، فإنه يبدو للوهلة الأولى أن التقارب بين الثقافات وتفاعلها الواسع والبناء أمر صعب أو مستحيل. نسعى في هذه الدراسة للإجابة على سؤال وهو هل يكون تشكيل جبهة عالمية للمستضعفين مقبولاً في القرآن أم لا؟ ما هو النموذج المرغوب للتواصل بين ثقافات المستضعفين، وما هي المبادئ التي تحكمها؟ لهذا الغرض تم تحليل عدد من الآيات المختارة بطريقة بيانات الأساس وتم الحصول على نمطها النموذجي. أصبحت «مناهضة الاستكبار بمثابة ثقافة وهوية مشتركة للمستضعفين في العالم» ظاهرة أساسية، تم استخراج أسبابها وخلفياتها، وظروفها المتداخلة واستراتيجيات تفاعلها المتبادل من آيات منتقاة. وفقاً لهذا النموذج فإن للمستضعفين مستويات وأنواع وشروط، والعلاقات بينهم واسعة ولكن مشكوك فيها. بعبارة أخرى، هذه الجبهة عابرة للأديان والمذاهب والمسالك، لكن نوع العلاقة مع كل منها مختلف ويعتمد على درجة الإيمان الحقيقي للأفراد. في هذه العلاقات أيضاً، هناك مبادئ تعمل كمبادئ حاکمة، وفي الحقيقة يمكن وضع كل هذه المبادئ تحت مبدأ العدالة. إن استراتيجيات عمل المسلمين في جبهة المستضعفين، تشرح في الواقع الحقوق التي يجب أن تعطى لكل مجموعة.

الكلمات الأساسية: القرآن، العلاقات بين الثقافات، العلاقات الدولية، الاستضعاف، الجبهة العالمية للمستضعفين.

العوامل المؤثرة في التطبيع الثقافي من منظور القرآن الكريم

□ سيد محسن مير سندسي

□ عضو الهيئة التدريسية بمعهد أبحاث العلوم والثقافة الإسلامية

عدد كبير من الأسس الفكرية في كل مجتمع صغير وكبير، يتضمن القيم والمعايير التي تشكل توجه المواقف والعقليات والسلوكيات فيما بينها. لقد أولت الثقافة الإسلامية الأهمية والمثالية التي تجلت في القرآن الكريم، اهتماماً خاصاً بشرح الأعراف والقيم السامية للسعادة في الحياة الفردية والاجتماعية للإنسان. وفق هذا الرأي، فإن المجتمع الإسلامي المثالي هو المجتمع القادر على توفير الأرضية لتحقيق هذه القيم والأعراف بين المسلمين قدر الإمكان، ويضمن لهم عن طريق ذلك سعادتهم في الدنيا والآخرة.

يعتمد تأسيس القيم والمعايير الدينية المرغوبة في المجتمع المسلم على مجموعة من العوامل التي لا يتعارض عدم الاهتمام بها في الوقت المناسب، مع تحقيق الثقافة الدينية فحسب، بل يسهل أيضًا دخول وقبول القيم والأنماط التي تتعارض غالبًا مع القيم والأعراف التي ينادى بها الإسلام. تحاول هذه المقالة تناول العوامل الرئيسية التي تؤدي، من وجهة نظر القرآن، إلى خلق وتوسيع الثقافة والمعايير المرغوبة للشريعة الإسلامية، وفي النتيجة تطبيع المجتمع الإسلامي. تشمل هذه العوامل الفئات الثلاثة الأصلية للتقديم المعياري، المعيار نفسه، وجمهور المعيار (المجموعة المستهدفة)، والتي سنتناولها بإيجاز ضمن التعريف الإجمالي بالخصائص المؤثرة لكل منها بناءً على الآيات والإشارات القرآنية.

الكلمات الأساسية: القرآن الكريم، الثقافة، القيم، المعيار، صنع الثقافة، التطبيع الاجتماعي.

العوامل المؤثرة في روح فرعون الاستكبارية مع التأكيد على تفسير الكاشف

- غلامحسين كميلى نخته جان (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة فردوسى مشهد)
- محمد على رضائى كرماني (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى مشهد)
- صاحب على أكبرى (أستاذ مشارك بجامعة فردوسى مشهد)

يولد البشر جميعًا على فطرة التوحيد، ووفقًا لقدرة الاختيار التي منحها الذات الإلهية المقدسة لهم من باب الحكمة، فإنهم يواجهون طريقين: ﴿إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾، فإما يضعون أنفسهم باختيارهم الحكيم على الطريق المرسومة من قبل الله تعالى، أو يرجحون الضلال باختيارهم غير المحسوب. تسعى الدراسة التي بين أيدينا إلى شرح العوامل المؤثرة في روح الاستكبار والاستبداد عند فرعون، باستخدام القرآن الكريم وآراء المفسرين والمفكرين، مع التأكيد على الآراء التفسيرية للعلامة محمد جواد مغنية في الكاشف، وقد تمت دراسة هذه العوامل في المجال الداخلي مثل: اتباع الهوى؛ الشعور بالاستغناء؛ الغرور والتفوق وما إلى ذلك، وفي المجال الخارجي مثل: دور الأرستقراطية والقادة وخواص المجتمع. كان الدافع وراء التأكيد على آراء العلامة مغنية هو نظرتة العصرية

في الكاشف تجاه الاستكبار والصهيوتية العالمية باعتبارها فرعون العصر، والتي تبلورت في وجه أمريكا والكيان الصهيوني. حاولنا في هذا المقال أن نعرف ما هي العوامل التي تسببت في تمرّد فرعون لدرجة أنه ادّعى الربوبية! وقد جعل الظلم وانتهاك حقوق الناس طريقة له. وستكون نتيجة هذا البحث الحصول على قاعدة عامّة والعوامل الأساسية في تشكّل روح وسلوك المستكبرين والمجرمين في ذلك العصر.

الكلمات الأساسية: القرآن، روح الاستكبار، الاستبداد، فرعون، الكاشف.

مبادئ ومؤشرات التيارات التوحيدية وغير التوحيدية في القرآن الكريم

- عليّ جلايان أكبرنيا (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)
- محمّد عليّ مهديّ راد (أستاذ مشارك بجامعة طهران، برديس قم)
- جواد إيروانيّ (أستاذ مساعد بالجامعة الرضوية للعلوم الإسلامية)

يستخدم الإنسان الكثير من القوّة لتلبية احتياجاته الماديّة والمعنويّة، ويستفيد من أمور مختلفة وتيارات اجتماعيّة متنوّعة. لكنّ الكثير من مساعيه باءت بالفشل وأحياناً كانت غير ناجحة. فالأسلوب والتيار الاجتماعيّ الذي اختاره يعتمد على مبادئ وأسس غير صحيحة. يسعى هذا المقال الذي تمّ تنظيمه بطريقة مكثّبة وبمنهج وصفيّ - تحليليّ إلى شرح خصائص التيار الاجتماعيّ التوحيديّ بالرجوع إلى القرآن وطريقة تحليل المحتوى. تيّارٌ يعترف بالاحتياجات الحقيقيّة؛ الماديّة والروحيّة للبشر، ويستجيب لها بشكل صحيح، حتّى تتمكّن البشرية من الوصول إلى كمال الدنيا والآخرة في مجتمع سليم. يستجيب هذا التيار لاحتياجات الإنسان تحت إدارة العقل والدين، حتّى يتمكّن الإنسان من الوصول إلى طريق الرضوان الإلهيّ، والتحرّر من القلق والاضطراب وعدم معاناته من أوجه القصور الماديّة. تتجلّى ضرورة هذا البحث عندما يزعم تيار الطاغوت دائماً أنّه يلبي احتياجات الإنسان في مواجهة التيار التوحيديّ، فيجبر الكثيرين على اتّباعه من خلال برامجه الماديّة. يسعى هذا التيار إلى تلبية الاحتياجات عن طريق السلطويّة ومذهب المتعة، كما يستجيب للفراغ الروحيّ لدى البشر بشكل ماديّ. لذلك فهو يواجه الإخفاقات دائماً، ويبعد الإنسان عن الفطرة البشريّة النقيّة. يوضح هذا العمل بالإشارة إلى الاحتياجات الماديّة والروحيّة للبشر، مبادئ الاستجابة لدى التيارات. واعتبر أنّ

العبودية والتركيز على الله، الإيمان بالغيب والمعاد، وولاية الحق هي مبادئ التيار التوحيدى، والتركيز على الإنسان والمادية وولاية الطاغوت هي مبادئ تيار الطاغوت، وفي الختام يتناول خصائص هذين التيارين.

الكلمات الأساسية: نمط الحياة، الاحتياجات البشرية، التيار التوحيدى، التيار غير التوحيدى (الطاغوتى).

فحص آراء المفسرين حول المقصود من عدم فصاحة موسى عليه السلام

□ إلهة هاديان رسنائى

□ أستاذ مساعد بجامعة القرآن والحديث

إن إلقاء نظرة على الترجمات والتفسير المطروحة أدنى مجموعة من الآيات المتعلقة بالنبي موسى عليه السلام، يظهر أن الجوّ العامّ المشترك في الظاهر لهذه المجموعة من الآيات، قد ترك تأثيراً كبيراً على أذهان المترجمين والمفسرين، فقد عانت في شرح الأشكال الدلالية لهذه الآيات، إطلاق نوع من الحكم وفرض معنى على الآية بينما ظاهر الآيات لا يدل على ذلك. أهمّ هذه الآيات أربع آيات تبدو مترابطة في أربع سور، والتي، حسب كثيرين، تشير إلى مشكلة النبي موسى عليه السلام في الكلام؛ فبعض الروايات تعزو نشوء هذه المشكلة إلى وصول النار إلى لسانه، والتي يبدو أن أول مصدر إسلامي نقل هذا الأمر هو الطبري ومأخوذ من التوراة. إن التدقيق في هذه المسألة يوضح أن المقصود من كون هارون أكثر فصاحة من موسى عليه السلام ليس ما ذهب إليه معظم المفسرين حتى الآن، حيث نسبوه إلى ثقل لسان النبي موسى عليه السلام، بل إنه ونظرًا للمادة الأصلية «فصح» التي تعنى ظهور شيء بغض النظر عن أية خلفيات وافتراضات عقلية، والمراد أن كلام هارون غير مسبوق بحادثة القتل، لذلك يطلب موسى عليه السلام من الله أن يأخذ معه هارون عليه السلام لإكمال المهمة. من خلال إثبات هذه الفرضية يتم قطع الصلة بين هذه الآيات التي تبدو مترابطة، ويجب على المرء البحث عن معنى آخر لها - بخلاف ذلك الذي تمّ التعبير عنه حتى الآن-. تمّ في هذا المقال عرض آراء المفسرين للآيات المذكورة، في إطار ثلاث وجهات نظر، وبعد النقد والدراسة يتمّ عرض رأى جديد في كلّ حالة.

الكلمات الأساسية: موسى عليه السلام، اللكنة، الفصاحة، هارون، الآراء التفسيرية.

إعادة قراءة مفهوم «النور» في القرآن الكريم

□ محمود واعظي (أستاذ مساعد بجامعة طهران)

□ حسين جدّي (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة فردوسي مشهد)

لمفهوم النور معنى شامل وأساسى في التطبيقات القرآنية، وقد استُخدم ٤٩ مرة في سياقات مختلفة. مع التدبّر الموضوعي في الاستعمالات القرآنية، بالإضافة إلى السعي وراء النور، على المستويين الأنطولوجي والمعرفي، فإنّ كَيْفِيَّة إدراك الموضوع المعرفي مهمّ جدًّا عند التفكير «بالنور». يميل المفسّرون المتقدّمون إلى المجاز في تفسير آية النور، بسبب وجود معطيات نقلية وحواجز عقلية. لكنّ طيقًا آخر بعد القرن الخامس، سعى إلى إثبات حقيقة آية النور من خلال تقديم تعريفات أخرى. تناول هذه المقالة من خلال نهجين توضيحيين نقديين لآراء المفسّرين السابقين، استنادًا إلى الاستجواب في التطبيقات القرآنية، بالإضافة إلى التصنيفات المختلفة في إطلاقات النور، المستوحاة من المكتشفات اللغوية القرآنية، كَيْفِيَّة انتساب «نور الله». لذلك، على الرغم من أنّ نور الله تعالى يقع في زمرة النور الخارج عن الحواس، إلّا أنّه يتمتّع بمستوى منتشر ومتسامي. يجب فهم هذا الكمال لظهور نور الله تعالى، بالإضافة إلى رفع حجب النور والظلمة المختلفة، مع عالم الإنسان الداخليّ يعنى «القلب».

الكلمات الأساسية: مفهوم النور، مراتب النور، نور الله، حقيقة النور، التطور الدلاليّ

للنور.

مكانة العدالة السلوكية في العلاقة بين الإنسان والبيئة من منظور القرآن

□ علي رضا نوبري

□ أستاذ مساعد بجامعة طهران

البيئة من المواضيع التي جذبت كثيرًا من العلماء في العقود الأخيرة. العمليات التفاعل غير الملائمة في البيئة تسببت اضطرابات وتحولات قد أخلت بالتوازن الموجود في الطبيعة. رغم تقديم طرق مناسبة من جانب المفكرين لم تحقّق نتائج مطلوبة في إبطاء التفاعل غير الملائم مع البيئة. في هذه المقالة، يحدّد ويبيّن نوع السلوك البشريّ في التفاعل مع البيئة من وجهة نظر القرآن الكريم. وكانت نتيجة الدراسة والبحث أنّ

القرآن أكد على أهميّة التفاعل البشريّ مع البيئة واعتبره جزءاً من البنية البيئية المعقّدة؛ لكن القرآن - بما يقدّم الدين بعنوان خاصّ يسمّى الدين الفطريّ- يؤكد أنّ التفاعل البشريّ مع البيئة ليس لأيّ إنسان بل لإنسان يملك القدرة على تحقيق العدالة السلوكيّة في المجتمع استناداً الى بيان الدين الفطريّ.

الكلمات الأساسية: البيئة، القرآن، العدالة السلوكية، الدين الفطريّ.

مدلول القرآن في عمليّة عرض الحديث؛

على أساس تطبيق معيار العرض بواسطة المعصومين عليهم السلام

□ أحمد جماليّ گندمانی (دكتوراه في علوم القرآن والحديث)

□ محمّد كاظم رحمان ستايش (أستاذ مساعد بجامعة قم)

إنّ تزوير الحديث وخطأ بعض الرواة في سماع الحديث وفهمه ونقله، يدلّ على ضرورة نقد الروايات للتأكد من صحّتها أو عدم صحّتها. للتعامل مع هذه الأضرار فإنّ النصيحة الأكثر شيوعاً للمعصومين هي انتقاد المحتوى مع محورية عرض الحديث على القرآن. ومع ذلك، إلى الآن وعلى الرغم من البحث حول طبيعة وصحة روايات العرض، إلا أنّ مدلول القرآن في عملية العرض لم يُدرس بناءً على استخدامات هذا المعيار من قبل الأئمة عليهم السلام، ومع التركيز على النظرة الروائيّة. قام هذا البحث الذي نُظّم بمنهج وصفيّ - تحليليّ بتحليل نصّ روايات العرض وأمثلة الروايات التي قام الأئمة عليهم السلام بعرضها على القرآن بهدف التحقّق من هذه المسألة. وفقاً للأمثلة الروائيّة المعروضة، فإنّ نطاق مدلول القرآن في عمليّة العرض، هو نموذج مؤلّف من واحد على الأقلّ من النصّ والظاهر، والمبادئ والخطاب، والتفسير الباطنيّ للقرآن (بشرط ألا يتعارض مع المعاني الأخرى). المبادئ القرآنيّة في هذا البحث هي مقترحات ومكوّنات قرآنيّة ثابتة ومقبولة قد صرّحت فيها آية أو عدّة آيات قرآنيّة، والمقصود من الخطاب القرآنيّ مجموعة من التعاليم التي أرساها القرآن في مواضيع مختلفة، والتي قد لا يمكن استنتاج المفهوم المطلوب منها بشكل منفصل، لكنّها إلى جانب بعضها تنقل مفهوماً محدّداً للقارئ.

الكلمات الأساسية: طريقة العرض، عرض الحديث، مدلول القرآن في العرض، النقد بمحورية القرآن.

تحليل نقدي لآراء المفسرين والمفكرين في علوم القرآن

حول نسب التحريف المعنوي للقرآن

- عليّ محمديّ آشنائيّ (أستاذ مساعد بجامعة علوم ومعارف القرآن الكريم)
- مهديّ حياتيّ (عضو الهيئة التدريسيّة بجامعة الشهيد تشرمان بالأهواز)
- زهراء قطبيّ (ماجستير في علوم القرآن)
- مزگان عام بخش (ماجستير في علوم القرآن)

لا شك أنّ البعض قد حاول على مرّ التاريخ تفسير معاني آيات القرآن بناءً على آرائهم الخاصّة. هذا الفعل الغير مقبول يسمّى «التفسير بالرأى» وقد نُسب إلى أشخاص مشبوهين وليس للقرآن، ولكن بالتدريج أصبح «التفسير بالرأى» للأفراد يعتبر مطابقاً «للتحريف المعنويّ» للقرآن بين علماء القرآن الشيعة والسنة، ونُسبت عبارة التحريف المعنويّ للقرآن الكريم أيضاً، وبسبب حدوث التفسير بحسب الرأى من قبل الأفراد، فإنّ التحريف المعنويّ للقرآن يعتبر أمراً لا مفرّ منه أيضاً. تقوم هذه المقالة بمنهج وصفيّ - تحليليّ بدراسة هذا الرأى ونقده، ومن خلال تقديم شواهد نقلية وعقلية، بالتشكيك بهذا التشابه بين التفسير بالرأى للأفراد والتحريف المعنويّ للقرآن، كما تؤكد على الاختلافات الواضحة بين التفسير بالرأى من قبل أصحاب الآراء الباطلة، وبين التحريف المعنويّ للقرآن؛ لأنّ التفسير بالرأى يُنسب إلى الأفراد، بينما التحريف المعنويّ فينسب للقرآن، وهكذا فإنّ وجود التفسير حسب رأى الأفراد، لا بمعنى المطابقة، هو نفس التحريف المعنويّ للقرآن، ولا بمعنى التضمين والالتزام، فهو يحتوى عليه ويشبهه. يشجع المؤلفون عزو التحريف الدلاليّ للأفراد بدلاً من عزو التحريف المعنويّ للقرآن الكريم.

الكلمات الأساسية: التحريف، التحريف المعنويّ، التفسير بالرأى، تحريف القرآن.

تحليل محتوى ملخصات المقالات البحثية في علوم القرآن والحديث

من منظور منهجية البحث (دراسة حالة ٦١ مقالة من خمس مجلات)

- آسية ذو علم (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة تربيت مدرّس طهران)
- فاطمة عليان نژاديّ (طالب دكتوراه في علوم القرآن والحديث بجامعة تربيت مدرّس طهران)
- عليّ حاجي خانيّ (أستاذ مشارك بجامعة تربيت مدرّس طهران)

الملخص عبارة عن بحث مكثف للمحتويات الأساسية، وله تأثير كبير في تقديم البحث ونشره في المجتمع العلمي. يمكن اعتبار درجة التقيّد بمعايير كتابة الملخص والتي تختلف باختلاف مجال البحث، بمثابة مؤشر للتطور المنهجيّ للعلم في ذلك المجال. نظرًا للنموّ الكميّ والكيفيّ لمجالات علوم القرآن والحديث في السنوات الأخيرة، وبهدف الارتقاء بجودة كتابة الملخص في هذا المجال، يتنامى الشعور بأنّ هناك حاجة إلى نوع من النمذجة العمليّة للباحثين. على هذا الأساس تحاول الدراسة الحالية التي تمّت بمنهج وصفيّ - تحليليّ مع النقد، بعد تحديد أهمّ معايير المحتوى لكتابة الملخص في مجال علوم القرآن والحديث، تحليل مدى مراعاة هذه المعايير في بعض المقالات في هذا المجال بصورة إحصائيّة مع أمثلة عينيّة. وفي النتيجة، ومن خلال النظر إلى المعايير العالميّة لكتابة الملخص، واستنادًا إلى أهداف الملخص في المجال المذكور، تمّ تحديد المعايير كنقاط يكون وجودها أو غيابها ضروريًا أو مرجحًا. على سبيل المثال، يمكن ذكر ضرورة وجود الهدف والأسئلة، والمنهج وأهمّ نتائج البحث؛ وعدم وجود محتوى خارج النصّ، ومحتوى قديم وسوقيّ، وكلمات مترادفة في الملخص. في 61 مقالة تمّت مراجعتها في خمس مجلّات في هذا المجال، كان «منهج البحث» من بين المعايير الضروريّة لكتابة الملخص، و«ضرورة وأهميّة البحث» من بين المعايير الترجيحيّة لها أدنى نسبة من المراعاة.

الكلمات الأساسية: منهج البحث، الملخص، كتابة المقال، علوم القرآن والحديث.